

بررسی سنجش وضعیت ناامنی غذایی خانوارهای شهرستان باوی

بهمن خسروی پور^{۱*}، منا درانی^۲ و امید مهرباب قوچانی^۲

تاریخ دریافت: ۱۷ مرداد ۱۳۹۵ تاریخ پذیرش: ۱۹ تیر ۱۳۹۶

چکیده

ناامنی غذایی از مقوله‌هایی است که تأثیر جدی بر وضعیت تغذیه افراد جامعه به‌جای می‌گذارد. ناامنی غذایی و گرسنگی، تبعات جسمی، روانی، اجتماعی و اقتصادی بسیاری به همراه دارد. تأمین امنیت غذایی جامعه یکی از اهداف کلان برنامه‌ریزی‌های توسعه اقتصادی اجتماعی است. هدف اصلی مطالعه حاضر سنجش میزان سطوح ناامنی غذایی در شهرستان باوی از توابع استان خوزستان بود. مطالعه حاضر پژوهشی پیمایشی و از نوع توصیفی مقطعی می‌باشد. جامعه مورد مطالعه کلیه خانوارهای روستایی در بخش مرکزی شهرستان باوی می‌باشند که با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس تعداد ۱۹۸ نفر به‌عنوان حجم نمونه در نظر گرفته شدند. به‌منظور گردآوری داده‌ها از پرسشنامه استاندارد رادیم کرنل (۱۹۹۸) بهره گرفته شد. نتایج مطالعه حاضر نشان داد که در مجموع تنها حدود ۱۲ درصد از پاسخ‌گویان این مطالعه در وضعیت امنیت غذایی و حدود ۸۷ درصد پاسخ‌گویان انواع ناامنی غذایی بدون گرسنگی، با گرسنگی متوسط و با گرسنگی شدید را تجربه کرده بودند. هم‌چنین نتایج نشان داد که بیش‌ترین فراوانی مربوط به دسته ناامن غذایی بدون گرسنگی بود. نتایج نشان داد که زنان در وضعیت ناامن‌تر غذایی نسبت به مردان قرار دارند. هم‌چنین سطح تحصیلات سرپرست خانوار منجر به ایجاد تفاوت در وضعیت ناامنی غذایی خانوار شد. علاوه بر این، نتایج نشان داد که درآمد، وارد معادله رگرسیونی عوامل تأثیرگذار بر ناامنی غذایی خانوار شد و ۲۹ درصد از تغییرات واریانس متغیر وابسته را تبیین نمود.

کلمات کلیدی: ناامنی غذایی، شهرستان باوی، استان خوزستان، رادیم کرنل

۱- دانشیار گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشکده مهندسی زراعی و عمران روستایی، دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین خوزستان

۲- دانشجوی دکتری ترویج کشاورزی، دانشکده مهندسی زراعی و عمران روستایی، دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین خوزستان

(* نویسنده مسئول: b.khosravipour@gmail.com)

مقدمه

غذا از جمله نیازهای بنیادی جامعه بشری و بخش جدایی ناپذیر از زندگی افراد است (کشیف^۱ و همکاران، ۲۰۱۵) که تأمین آن در مقوله امنیت غذایی نهفته است و تأمین امنیت غذایی برای جامعه یکی از اهداف کلان برنامه‌ریزی‌های اقتصادی-اجتماعی است (سالارکیا و همکاران^۲، ۲۰۱۴). موضوع امنیت غذایی در بسیاری از نقاط جهان بسیار حیاتی است (رامونیای^۳، ۲۰۱۱). جمعیت جهان رو به افزایش می‌باشد و بنابر پیش‌بینی‌ها تا سال ۲۰۵۰ به ۹ میلیارد نفر خواهد رسید (شارما^۴، ۲۰۱۲) که یک میلیارد نفر آن در فقر به سر خواهند برد و از گرسنگی رنج می‌کشند (گیگر و همکاران^۵، ۲۰۰۹). ناامنی غذایی و یا ناتوانی در دسترسی به غذای باکیفیت برای برآوردن حداقل نیازهای غذایی، اساسی‌ترین شکل از محرومیت انسان است و انسان قبل از آموزش و پرورش و مراقبت‌های بهداشتی و داشتن سرپناه نیاز دارد که گرسنگی و نیاز به غذای خود را تأمین کند (بانک توسعه آسیا^۶، ۲۰۱۲). بدون تردید، برخورداری از غذای کافی یک حق انسانی است و محروم شدن انسان‌ها از آن، به هر دلیلی غیرقابل قبول می‌باشد (خضری، ۱۳۸۲؛ آندرسون^۷، ۲۰۱۳).

از این رو مفهوم امنیت غذایی بسیار گسترده است و به وسیله تعامل دامنه‌ای از عوامل بیولوژیکی، اقتصادی، اجتماعی، کشاورزی و فیزیکی تعیین می‌شود و مستلزم عرضه کافی مواد غذایی در سطح کلان و توزیع عادلانه به منظور دستیابی همه به آن‌هاست (عباسی و همکاران^۸، ۲۰۱۶) و امنیت غذایی در واقع بنیان یک جامعه توسعه یافته و عنصر اساسی سلامت فکری، روانی و جسمی اعضای آن می‌باشد و این در حالی است که طبق توصیه‌های سازمان خواروبار جهانی^۹ بر ضرورت اتخاذ سیاست‌های ملی امنیت غذایی توسط دولت‌ها برای تضمین کیفیت و سلامت غذایی قابل عرضه به شهروندان از طریق برقراری معیارهای ملی ایمنی تأکید شده است (رهبر و مبینی، ۱۳۸۴). عوامل اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی بسیاری منجر به ناامنی غذایی شده که باعث آسیب دیدن بسیاری از مردم سراسر دنیا می‌شود (هکت و همکاران^{۱۰}، ۲۰۱۰). این مهم تهدیدی برای سلامت، کیفیت زندگی و وضعیت تغذیه‌ای افراد محسوب شده (سیسمک و همکاران^{۱۱}، ۲۰۱۳) و با دامنه متفاوتی می‌تواند رخ دهد، خفیف‌ترین شکل آن زمانی تجربه می‌شود که نتوان غذایی را به شیوه‌ای که برای جامعه قابل پذیرش است، به دست آورد و سخت‌ترین حالت آن زمانی است که افراد توانایی دستیابی به غذای کافی را به علت ناکافی بودن منابع‌شان ندارند (توتونچی و همکاران^{۱۲}، ۲۰۱۳). یکی از نتایج این نوع ناامنی غذایی گرسنگی و آسیب‌های فیزیکی و روانی است که به افراد وارد می‌شود

1 - Kashif

2 - Salarkia et al

3- Ramonyai

4- Sharma

5- Giger et al

6- Asian Development Bank

7 - Anderson

8- Abbasi

9- FAO

10- Hackett

11- Sismek

12- Tutunchi et al

(الایمو^۱، ۱۹۹۸)، (ناکو وانیمایی^۲، ۲۰۱۳). بی‌شک نقش تغذیه در سلامت، افزایش کارایی، یادگیری انسان‌ها و ارتباط آن با توسعه اقتصادی طی تحقیقات وسیع جهانی به اثبات رسیده است، بنابراین در بین اولویت‌های اهداف توسعه هر کشور، دستیابی به امنیت غذایی اهمیت ویژه‌ای دارد (جعفری‌ثانی و بخشوده، ۱۳۸۷) تا جایی که کشورهای عضو کنفرانس اسلامی نیز که غالباً سطح توسعه انسانی پایین و متوسط دارند، با ارائه راهکارهای متعدد سعی در بالا بردن امنیت غذایی خود در بین کشورهای عضو دارند (بختیاری و حقی، ۱۳۸۲).

در ایران نیز، طی دو دهه اخیر و به‌ویژه پس از تعهد ایران همراه با سایر کشورهای جهان برای مقابله با گرسنگی، سوءتغذیه و دستیابی به امنیت غذایی پایدار در نشست هزاره سران، توجه خاصی به امنیت غذایی و سنجش آن معطوف شد. از این رو اطلاع از وضعیت ناامنی غذایی در جامعه می‌تواند سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیران را در راستای اتخاذ تصمیمات درست هدایت نماید. (عباسی و همکاران، ۲۰۱۶). شهرستان باوی در استان خوزستان، شهرستانی تازه تأسیس است. این شهرستان تا قبل از سال ۱۳۹۳، در تقسیمات سیاسی کشور، با عنوان بخش قلمداد می‌شد (وبسایت مرکز آمار ایران، ۱۳۹۶). پر واضح است که پس از تغییر در تقسیمات سیاسی کشور و تبدیل این بخش به شهرستان، کلیه برنامه‌ریزی‌های توسعه‌ای در این منطقه با شرایط متفاوتی روبرو خواهند بود. در این راستا می‌توان با اطلاع از وضعیت ناامنی غذایی در این شهرستان انتظار داشت که با اتخاذ تصمیمات درست، از ابتدا در راستای ایجاد امنیت غذایی در میان خانوارهای روستایی این شهرستان گام برداشت. در این راستا مطالعه حاضر سعی بر آن دارد تا به‌وسیله پرسشنامه ۱۸ گویه‌ای رادیمر کرنل که پرسشنامه‌ای استاندارد و جهانی در راستای سنجش ناامنی غذایی خانوار است و در ایران نیز در مطالعاتی مورد سنجش قرار گرفته است، وضعیت ناامنی غذایی خانوار روستایی بخش مرکزی شهرستان باوی را تبیین نماید.

پیرامون موضوع پژوهش حاضر مطالعات مختلفی انجام شده است از جمله رامش و همکاران (۱۳۸۷) که در مطالعه‌ای با عنوان "تعیین شیوع ناامنی غذایی در خانوارهای شهر شیراز" به تبیین تأثیر برخی عوامل اجتماعی - اقتصادی و جمعیتی با آن پرداختند. وضعیت امنیت غذایی در این مطالعه با استفاده از پرسش‌نامه ۱۸ گویه‌های امنیت غذایی خانوار سنجیده شد. در این مطالعه آن‌ها به این نتیجه دست یافتند که ناامنی غذایی در جامعه مورد مطالعه وجود داشت و شیوع آن ۴۴ درصد بود، که ۲۷/۸ درصد ناامنی غذایی بدون گرسنگی، ۱۴/۴ درصد ناامنی غذایی با گرسنگی متوسط و ۱/۸ درصد ناامنی غذایی با گرسنگی شدید داشتند. هم‌چنین ناامنی غذایی در خانوارهای با تعداد فرزند بیشتر، دارای فرزند زیر ۱۸ سال و زن سرپرست بیشتر بود. زنان نیز نسبت به سایر پاسخ‌دهنده‌ها ناامنی غذایی بیشتری داشتند. حکیم، درستی و افشاریان (۱۳۸۷)، مطالعه‌ای با عنوان "بررسی ارتباط ناامنی غذایی و برخی عوامل اقتصادی-اجتماعی خانوارها با وضعیت نمایه توده بدن زنان دزفول" انجام دادند. پرسش‌نامه‌های اطلاعات عمومی و ناامنی غذایی طی مصاحبه حضوری با مادر تکمیل گردیده و تحلیل شدند. شیوع ناامنی غذایی در خانوارهای مورد بررسی برابر ۳۷/۶ درصد بود. ۴۲/۸ درصد دارای اضافه‌وزن و ۱۲ درصد آنان مبتلابه چاقی بودند. نتایج نشان داد که

1- Alaimo

2 - Nnakwe and Onyemaobi

شاخص توده بدنی در بین زنان با ناامنی غذایی خانوار، سن زنان و بعد خانوار رابطه مثبت و معنی‌دار و با وضعیت اقتصادی و قومیت رابطه معکوس و معنی‌دار دارد. ناامنی غذایی و اضافه‌وزن در جامعه مورد مطالعه وجود داشت و ناامنی غذایی، سن و قومیت زنان، وضعیت اقتصادی و بعد خانوار به‌عنوان عوامل مرتبط با وضعیت توده بدنی شناخته شدند. سایر عوامل مانند سطح تحصیلات و شغل مادر و هزینه خانوار ارتباط آماری معنی‌داری نشان ندادند. شرفخانی و همکاران (۱۳۸۸)، مطالعه‌ای با عنوان "تعیین شیوع و عوامل مؤثر بر ناامنی غذایی خانوار در دهستان قره‌سوی شهرستان خوی" انجام دادند. اطلاعات لازم جهت تعیین وضعیت امنیت غذایی خانوارها در این پژوهش با استفاده از پرسش‌نامه کوتاه شش سؤالی (شش گویه‌ای) به‌دست‌آمده است. برای بررسی عوامل مؤثر بر ناامنی غذایی از پرسش‌نامه محقق ساخته استفاده شد. یافته‌های این گروه شیوع ناامنی غذایی در منطقه مورد مطالعه را ۵۹/۴ درصد گزارش می‌دهد. همچنین نتایج آن‌ها نشان می‌دهد که با افزایش تعداد مراکز ارائه مواد غذایی در روستا، زیربنای مسکونی و تعداد اتاق، ناامنی غذایی خانوار کاهش و برعکس با افزایش فاصله روستا از شهر ناامنی غذایی خانوار افزایش می‌یابد. وضعیت مسکن، وضعیت خودرو، وضعیت والدین (تک والد بودن یا دو والد بودن) و وضعیت درآمد خانوار از دیگر عوامل مؤثر بر ناامنی غذایی خانوار می‌باشد. همچنین نتایج این مطالعه نشانگر تأثیر عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بر امنیت غذایی خانوار و شیوع بالای ناامنی غذایی در منطقه است. پیاب و همکاران (۱۳۹۱) مطالعه‌ای با عنوان "بررسی عوامل مؤثر بر ناامنی غذایی در شهرستان ری" انجام دادند. اطلاعات موردنیاز برای بررسی ناامنی غذایی با استفاده از پرسش‌نامه‌های امنیت غذایی خانوار جمع‌آوری شده و اطلاعات مربوط به وضعیت اقتصادی و خصوصیات اجتماعی و فرهنگی توسط پرسش‌نامه اطلاعات عمومی بررسی شد. نتیجه حاصل از مطالعه حاکی از آن است که میزان شیوع ناامنی غذایی ۵۰/۲ درصد است. تحصیلات بالاتر، جایگاه شغلی بالاتر سرپرست خانواده، مالکیت واحد مسکونی و امتیاز بالاتر امکانات و تسهیلات زندگی با ناامنی غذایی ارتباط معکوس دارد. هم‌چنین با افزایش بعد خانوار، ناامنی غذایی در افراد مورد مطالعه بیشتر می‌شود. دانشی مسکونی و همکاران (۱۳۹۲)، در مطالعه‌ای با عنوان "بررسی وضعیت ناامنی غذایی و برخی عوامل اجتماعی-اقتصادی مؤثر در بیماران مبتلابه سرطان‌های گوارش فوقانی شامل سرطان‌های مری و معده" در انستیتو کانسر ایران پرداختند. مشخصات عمومی و اجتماعی-اقتصادی و وضعیت ناامنی غذایی به ترتیب با استفاده از پرسش‌نامه‌های عمومی عوامل اجتماعی-اقتصادی بیمار و پرسش‌نامه وضعیت امنیت غذایی خانوار بررسی شدند. نتایج مطالعه آن‌ها نشان داد که درصد ناامنی غذایی در جمعیت مورد مطالعه ۶۹/۱۷ درصد است. میان متغیرهای سطح اقتصادی پایین با ناامنی غذایی ارتباط آماری معنی‌داری مشاهده شد. قاضی طباطبایی و همکاران (۱۳۹۰) تحقیقی باهدف بررسی رابطه برخی عوامل جمعیتی و اجتماعی بر شدت ناامنی غذایی در میان خانوارهای تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی در منطقه ۲۰ شهر تهران انجام دادند. بر اساس یافته‌های به‌دست‌آمده ۹۸/۶ درصد نمونه‌های این مطالعه ناامنی غذایی را با شدت‌های گوناگون آن تجربه کرده‌اند. درحالی‌که ناامنی غذایی در ۳۷/۳ درصد آن‌ها در حد شدید ارزیابی شد. ناامنی غذایی در سطح خانوار و بزرگسال (مادر) شایع‌تر از سطح کودک بود. در این تحقیق متغیرهای جنسیت سرپرست، بیمار بودن یکی از اعضاء خانواده، بعد خانوار، سطح تحصیلات و وضع فعالیت سرپرست خانوار به‌عنوان مهم‌ترین متغیرهای تبیین‌کننده شدت ناامنی غذایی در خانوارهای شهری شناخته شدند. تنهایی و همکاران (۱۳۹۴)، مطالعه‌ای با عنوان "بررسی وضعیت امنیت غذایی با استفاده از شاخص تنوع غذایی: مطالعه موردی مناطق روستایی شهرستان مرودشت، استان

فارس" انجام دادند. در این مطالعه از شاخص‌های تنوع غذایی استفاده شد. در این مطالعه به این نتیجه دست یافتند که در میان خانوارهای ساکن در مناطق روستایی، تنوع غذایی خاصی مشاهده نمی‌شود و در کلیه گروه‌های درآمدی از نظر دسترسی و تنوع غذایی، امنیت غذایی نسبی مشاهده می‌شود. همچنین ستوده و همکاران، (۱۳۹۴) مطالعه‌ای با عنوان "وضعیت ناامنی غذایی خانوار و برخی عوامل اقتصادی - اجتماعی در کودکان کوتاه‌قد دچار اضافه وزن شهر زاهدان" در سال ۱۳۹۳ انجام دادند. نتایج این مطالعه نشان داد که ناامنی غذایی با گرسنگی شدید در کودکان کوتاه‌قد دارای اضافه وزن با وضعیت اقتصادی ضعیف، زندگی در منزل استیجاری، شغل سرپرست خانوار و سطح سواد سرپرست خانوار ارتباط آماری معنی‌داری داشت.

نجیبی و همکاران (۲۰۱۲) مطالعه‌ای با عنوان "بررسی وضعیت ناامنی غذایی و برخی عوامل اجتماعی اقتصادی در افراد مبتلابه دیابت نوع ۲" در شیراز انجام دادند. مشخصات عمومی و اجتماعی اقتصادی و وضعیت ناامنی غذایی به ترتیب با استفاده از پرسش‌نامه‌های عمومی و امنیت غذایی خانوار ۱۸ گویه‌ای بررسی شد. میزان شیوع ناامنی غذایی در جمعیت مورد مطالعه ۶۶/۷ درصد بود. ناامنی غذایی با سطح اقتصادی، تحصیلات، میزان درآمد، داشتن فرزند زیر ۱۸ سال، بعد خانوار و تعداد فرزندان ارتباط آماری معنی‌داری داشت، اما با متغیرهای دیگر شامل وضعیت شغلی، وضعیت تأهل، سابقه فامیلی بیماری، سن، جنس و فعالیت بدنی ارتباط آماری معنی‌داری نداشت. با عنایت به موارد مطروحه در نهایت در پژوهش حاضر قصد بر آن است تا به سنجش وضعیت ناامنی غذایی در بین خانوارهای شهرستان باوی پرداخته شود.

مواد و روش‌ها

رویکرد حاکم بر مطالعه حاضر، کمی و روش تحقیق از نوع توصیفی - پیمایشی می‌باشد. کلیه خانوارهای روستایی (حدود ۷۹۱۸ خانوار، اما به علت تغییرات در تقسیمات سیاسی آمار دقیق آن مشخص نیست) در بخش مرکزی شهرستان باوی به‌عنوان جامعه آماری مطالعه حاضر در نظر گرفته شدند. روش نمونه‌گیری در مطالعه حاضر روش در دسترس بود. اما تلاش شد تا به‌توان از تمامی مناطق جامعه آماری و در تمامی ساعات روز نمونه‌گیری انجام پذیرد. با استفاده از فرمول کوکران، نمونه آماری به تعداد ۱۹۸ نفر سرپرست خانوار تعیین شد. پرسشنامه ۱۸ گویه‌ای رادیمر کرنل که وضعیت ناامنی غذایی خانوار در ۱۲ ماه گذشته را مورد سنجش قرار می‌دهد به‌عنوان ابزار تحقیق مطالعه حاضر در نظر گرفته شد. پرسشنامه مذکور در مطالعات نجیبی و همکاران (۲۰۱۲)، رامش و همکاران (۱۳۸۷) و عباسی و همکاران (۲۰۱۶) مورد آزمون قرار گرفته و نتایج آن‌ها نشان از پایایی و روایی پرسشنامه دارد. سؤالات پرسشنامه سعی در تبیین شرایط و وقایعی دارد که با امنیت غذایی مرتبط می‌شود و این سؤالات دامنه‌ای از جنبه‌های کمی و کیفی فراهم آوری غذای خانوار را مدنظر قرار می‌دهد. سؤالات پرسشنامه در جدول ۱ نشان داده شده‌اند. علاوه بر سؤالات پرسشنامه رادیمر کرنل، اطلاعات جمعیت شناختی از قبیل سن سرپرست خانوار، سطح تحصیلات، سابقه سکونت، جنسیت و درآمد نیز به پرسشنامه اضافه شد. همچنین سؤالاتی در خصوص توجه به تاریخ انقضای محصولات نیز به پرسشنامه اضافه شد.

جدول ۱- سؤالات پرسشنامه رادیمرکرنل

سؤالات

- تابه حال این نگرانی را داشته‌اید که مواد غذایی‌تان تمام شود و پول کافی نداشته باشید که دوباره بخرید؟
 تابه حال به این فکر کرده‌اید که ای کاش پول بیشتری داشتم و می‌توانستم غذای بیشتری بخرم؟
 مواد غذایی که می‌خرم زود تمام می‌شوند زیرا پول ندارم که به اندازه کافی بخرم؟
 وقتی می‌خواهم یک وعده غذا درست کنم مواد غذایی که برای تهیه آن لازم دارم تمام شده و پول کافی برای خرید آن‌ها ندارم؟
 ما دو سه روز پشت سر هم یک نوع غذا می‌خوریم زیرا پول کافی نداریم که مواد غذایی مختلف بخریم؟
 تابه حال این نگرانی را داشته‌ام که به خاطر نداشتن پول نتوانم مواد غذایی کافی بخرم؟
 هر غذایی را نمی‌توانم درست کنم چون مواد غذایی را که برای تهیه آن لازم دارم تمام شده است و پول ندارم که دوباره آن‌ها را بخرم؟
 من فقط چند نوع غذا را که ارزان هستند درست می‌کنم و نمی‌توانم غذاهای متنوع درست کنم چون پول کافی ندارم؟
 من خودم نمی‌توانم غذای خوب و مغذی بخورم چون پول ندارم که به اندازه کافی تهیه کنم؟
 به خاطر نداشتن پول نمی‌توانم غذای کافی درست کنم به همین خاطر خودم کمتر غذا می‌خرم؟
 به خاطر نداشتن پول و غذای کافی خودم گرسنه می‌مانم و چیزی نمی‌خورم؟
 به خاطر نداشتن پول و غذای کافی خودم فقط نان خالی می‌خرم؟
 نمی‌توانم به بچه‌ام/بچه‌هایم مواد غذایی خوب و مغذی بدهم چون پول کافی ندارم؟
 می‌دانم بچه‌هایم گاهی اوقات گرسنه هستند اما پولی برای خرید مواد غذایی بیشتر ندارم؟
 آیا در طول سال جاری اتفاق افتاده است که به علت نداشتن پول کافی از غذای مصرفی خود کم کرده و یا برخی از وعده‌های غذایی را حذف کنید؟
 آیا در طول سال جاری اتفاق افتاده است که به علت نداشتن پول کافی کمتر از مقدار غذایی را که احساس می‌کنید لازم است مصرف کنید؟
 آیا در طول سال جاری اتفاق افتاده است که گرسنه باشید اما به دلیل عدم توانایی تهیه غذا نتوانید غذا بخورید؟
 توان مالی استفاده از وعده‌های غذایی متعادل را ندارم؟

(طیف پاسخ دهی: درست نیست، گاهی اوقات درست است، اکثر اوقات درست است)

در پاسخ به هریک از سؤالات مذکور در فوق، از پاسخگویان خواسته می‌شد تا فراوانی وقوع آن مورد را به صورت اغلب درست است، گاهی اوقات درست است و یا کاملاً غلط است، در خصوص غذایی که برای مصرف خانوار تهیه می‌کنند را تشریح کنند. سپس پاسخ‌ها بر اساس دستورالعمل زیر امتیازدهی شدند. به پاسخ‌های اغلب درست است و گاهی درست است، امتیاز (۱) و به پاسخ‌های هرگز درست نیست، امتیاز (صفر) تعلق می‌گرفت. مجموع تمامی امتیازات سؤال‌ها، وضعیت ناامنی غذایی آن خانوار را تعیین می‌کرد. سپس بر اساس دستورالعملی که در جدول ۲ آورده شده است، وضعیت ناامنی غذایی خانوار مشخص شد. بدین وسیله خانوارها در ۴ دسته به شرح زیر طبقه‌بندی شدند. هم-چنین فرایند پردازش و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS نسخه ۲۰ انجام پذیرفت.

دسته اول: امن غذایی. خانوارهایی که در این دسته قرار دارند، ناامنی غذایی را تجربه نکرده‌اند.

دسته دوم: ناامن غذایی بدون گرسنگی. این دسته ناامنی غذایی را به شکل خفیف تجربه کرده‌اند. آن‌ها گاهی در خصوص تأمین غذا نگرانی‌هایی داشته‌اند و یا میزان وعده غذایی خود را به خاطر این نگرانی‌ها کم کرده‌اند.

دسته سوم: ناامن غذایی همراه با گرسنگی متوسط. این دسته ناامنی غذایی را تجربه کرده‌اند. آن‌ها بارها اتفاق

افتاده است که میزان وعده غذایی خود را کاهش دهند و یا از مواد غذایی باکیفیت پایین تر استفاده کنند.

دسته چهارم: ناامن غذایی با گرسنگی شدید. این دسته ناامنی غذایی را به شدیدترین شکل ممکن تجربه کرده است و در دسترسی به مواد غذایی دارای مشکل است.

جدول ۲- طبقه بندی ناامنی غذایی بر اساس امتیازات

وضعیت ناامنی غذایی	کد	تعداد پاسخ های مثبت
امن غذایی	۱	۰-۲
ناامن غذایی بدون گرسنگی	۲	۳-۷
ناامن غذایی با گرسنگی متوسط	۳	۸-۱۲
ناامن غذایی با گرسنگی شدید	۴	۱۳-۱۸

نتایج

ویژگی های جمعیت شناختی

ویژگی های جمعیت شناختی پاسخگویان در جدول ۱ قابل مشاهده می باشد. همان گونه که نتایج جدول نشان می دهد از مجموع پاسخگویان، تعداد ۱۱۵ نفر (۵۸/۱ درصد) مرد و تعداد ۸۳ نفر (۴۱/۹ درصد) زن بودند. از نظر سطح تحصیلات بیشترین فراوانی مربوط به سطح تحصیلات دیپلم با فراوانی ۶۴ نفر (۳۲/۳ درصد) می باشد. همچنین بر اساس نتایج، ۵۷ نفر از پاسخگویان دارای تحصیلات دانشگاهی و ۴۶ نفر دارای تحصیلات در سطح راهنمایی بودند. تنها ۱۵/۷ درصد از پاسخگویان مطالعه حاضر بی سواد بودند. نتایج جدول گویای آن است که بیش از نیمی از پاسخگویان مطالعه حاضر شغل دوم نداشتند و تنها ۳۳/۸ درصد از پاسخگویان دارای شغل دوم بودند. از سایر ویژگی های جمعیت شناختی که در جدول ۳ لحاظ نشده است، می توان به سن پاسخگویان، سابقه سکونت در منطقه، تعداد فرزندان و تعداد فرزندان شاغل اشاره کرد. نتایج نشان داد که میانگین سنی پاسخگویان ۴۶/۴۲ سال و با کمینه ۲۰ سال و بیشینه ۹۶ سال می باشد. میانگین تعداد فرزندان در نمونه مورد مطالعه ۲/۵۳ نفر و میانگین تعداد فرزندان شاغل ۰/۸۰ می باشد. میانگین سابقه سکونت در منطقه مورد مطالعه ۲۵/۴۳ سال، با کمینه ۱ و بیشینه ۹۶ سال می باشد. میانگین درآمد خانوار در نمونه مورد مطالعه برابر با ۲۳۸۴۸۵۰/۷۴۶ تومان با کمینه ۹۰۰۰۰۰ تومان و بیشینه ۶۵۰۰۰۰۰ تومان می باشد.

سهم مواد غذایی از درآمد خانوار

از پاسخگویان مطالعه درخواست شد تا اعلام کنند چه میزان از درآمد خانوار را به طور ماهیانه صرف خرید مواد غذایی می کنند. نتایج در جدول ۴ قابل مشاهده است.

همان گونه که نتایج جدول ۴ نشان می دهد، حدود نیمی از خانوارهای مورد مطالعه حدود ۲۵ تا ۵۰ درصد از درآمد ماهیانه خانوار را صرف خرید مواد غذایی می کنند. نتایج همچنین گویای آن است که تنها ۸ نفر از پاسخگویان مطالعه حاضر اعلام داشتند که کمتر از ۲۵ درصد از درآمد خانوار را صرف خرید مواد غذایی می کنند.

جدول ۳- ویژگی‌های جمعیت شناختی پاسخ‌گویان

درصد معتبر	فراوانی	طبقه	ویژگی جمعیت شناختی
۵۸/۱	۱۱۵	مرد	جنسیت
۴۱/۹	۸۳	زن	
۱۵/۷	۳۱	بی‌سواد	تحصیلات
۲۳/۲	۴۶	راهنمایی	
۳۲/۳	۶۴	دیپلم	
۲۸/۸	۵۷	تحصیلات دانشگاهی	داشتن شغل دوم
۳۳/۸	۶۷	بلی	
۶۶/۲	۱۳۱	خیر	
بیشینه	کمینه	میانگین	
۹۶	۲۰	۴۶/۴۲	سن پاسخ‌گویان
۹۶	۱	۲۵/۴۳	سابقه سکونت در منطقه
۸	۰	۲/۵۳	تعداد فرزندان
۹	۰	۰/۸۰	تعداد فرزندان شاغل
۶۵۰۰۰۰۰	۹۰۰۰۰۰	۲۳۸۴۸۵۰/۷۴۶	درآمد (تومان)

جدول ۴- سهم مواد غذایی از درآمد خانوار

درصد	فراوانی	سهم مواد غذایی از درآمد خانوار
۴	۸	کمتر از ۲۵ درصد
۴۷/۵	۹۴	۲۵ تا ۵۰ درصد
۲۸/۳	۵۶	۵۰ تا ۷۵ درصد
۲۰/۲	۴۰	بیشتر از ۷۵ درصد
۱۰۰	۱۹۸	مجموع

توانایی پس‌انداز

از پاسخ‌گویان در بخشی از پرسشنامه سؤال شد که آیا درآمد آن‌ها امکان انجام پس‌انداز را به آن‌ها می‌دهد یا خیر. نتایج در جدول ۵ قابل مشاهده است. همان‌گونه که نتایج نشان می‌دهد، اغلب پاسخ‌گویان پاسخ این سؤال را با خیر (۶۰/۶ درصد) و یا نه همیشه (۹/۱ درصد) داده‌اند. تنها ۳۰/۳ درصد از پاسخ‌گویان امکان پس‌انداز را با درآمد فعلی خود ممکن می‌دانستند.

جدول ۵- توزیع فراوانی توانایی پس‌انداز

درصد	فراوانی	آیا امکان پس‌انداز کردن دارید؟
۳۰/۳	۶۰	بلی
۶۰/۶	۱۲۰	خیر
۹/۱	۱۸	نه همیشه

توجه به تاریخ مصرف مواد غذایی

در بخشی از مطالعه حاضر از پاسخ‌گویان پرسیده شد که آیا هنگام خرید مواد غذایی به تاریخ انقضای آن توجه می‌کنید یا خیر. نتایج در جدول ۶ نشان داده شده است. همان‌گونه که مشاهده می‌کنید، ۸۲/۸ درصد از پاسخ‌گویان پاسخی منفی به این سؤال دادند.

جدول ۶- توزیع فراوانی توجه پاسخ‌گویان به تاریخ مصرف مواد غذایی

فرآوانی	درصد	به تاریخ انقضای محصولات توجه می‌کنید؟
۱۷/۲	۳۴	بلی
۸۲/۸	۱۶۴	خیر

وضعیت ناامنی غذایی خانوار

همان‌گونه که در فوق اشاره شد، پس از دریافت پرسشنامه‌ها و کدگذاری، به وسیله راهنمای پرسشنامه، وضعیت امنیت غذایی هر شخص مشخص گردید. سپس بر اساس جدول ۲ پاسخ‌گویان در چهار دسته امن غذایی، ناامن غذایی بدون گرسنگی، ناامن غذایی با گرسنگی متوسط و ناامن غذایی با گرسنگی شدید تقسیم شدند. نتایج در جدول ۷ قابل مشاهده است.

جدول ۷- وضعیت ناامنی غذایی خانوار

وضعیت ناامنی غذایی	فرآوانی	درصد	درصد تجمعی
امن غذایی	۲۴	۱۲/۱	۱۲/۱
ناامن غذایی بدون گرسنگی	۱۲۷	۶۴/۱	۷۶/۳
ناامن غذایی با گرسنگی متوسط	۴۶	۲۳/۲	۹۹/۵
ناامن غذایی با گرسنگی شدید	۱	۰/۵	۱۰۰

همان‌گونه که در جدول فوق قابل مشاهده است، تنها ۱۲/۱ درصد از پاسخ‌گویان مطالعه حاضر در وضعیت امن غذایی ارزیابی شده‌اند. بیش‌ترین فراوانی مربوط به دسته ناامن غذایی بدون گرسنگی با فراوانی ۱۲۷ نفر (۶۴/۱ درصد) می‌باشد. هم‌چنین بر اساس نتایج تنها یک نفر از پاسخ‌گویان مطالعه حاضر در وضعیت ناامن غذایی با گرسنگی شدید ارزیابی شده است.

مقایسه وضعیت ناامنی غذایی بر حسب جنسیت

به منظور تعیین تفاوت احتمالی حاصل از جنسیت پاسخ‌گویان در وضعیت امنیت غذایی، از آزمون T استفاده شد. نتایج این آزمون در جدول ۸ قابل مشاهده می‌باشد.

نتایج جدول ۸ نشان داد که تفاوت آماری معنی‌داری در وضعیت ناامنی غذایی پاسخ‌گویان بر حسب جنسیت آن‌ها با اطمینان ۹۵ درصد وجود دارد. نتایج نشان‌دهنده آن است که زنان در وضعیت ناامن‌تری نسبت به مردان نمونه مورد مطالعه قرار دارند.

جدول ۸- مقایسه میانگین وضعیت امنیت غذایی برحسب جنسیت پاسخ‌گویان

سطح معنی‌داری دوطرفه	آماره T	جنسیت		متغیر
		مرد (۱۱۵)	زن (۸۳)	
۰/۰۱۱*	۲/۵۵	۵/۲۳	۶/۱۵	وضعیت ناامنی غذایی

* - معنی‌داری با اطمینان ۹۵ درصد

مقایسه وضعیت ناامنی غذایی برحسب سطح تحصیلات

به‌منظور تعیین تفاوت احتمالی حاصل از سطح تحصیلات پاسخ‌گویان در وضعیت امنیت غذایی، از آزمون F و آزمون دنباله‌ای دانکن استفاده شد. نتایج این آزمون در جدول ۹ قابل مشاهده می‌باشد.

جدول ۹- مقایسه میانگین وضعیت امنیت غذایی برحسب سطح تحصیلات پاسخ‌گویان

سطح معنی‌داری دوطرفه	آماره F	سطح تحصیلات				وضعیت ناامنی غذایی
		تحصیلات دانشگاهی (۵۷)	دیپلم (۶۴)	راهنمایی (۴۶)	بی‌سواد (۳۱)	
۰/۰۰۲**	۵/۰۷	۵/۹۸ ^{bc}	۶/۲۵ ^c	۵/۱۵ ^{ab}	۴/۳۵ ^a	وضعیت ناامنی غذایی

** - معنی‌داری با اطمینان ۹۹ درصد

یافته‌های جدول فوق‌گویی وجود تفاوت وضعیت ناامنی غذایی خانوارهای مورد مطالعه برحسب سطح تحصیلات سرپرست خانوار با اطمینان ۹۹ درصد می‌باشد. همان‌گونه که نتایج نشان می‌دهد، پاسخ‌گویان با سطح تحصیلات دیپلم و پس از آن‌ها پاسخ‌گویان دارای تحصیلات دانشگاهی دارای ناامن‌ترین وضعیت غذایی می‌باشند. نتایج نشان‌دهنده آن است که پاسخ‌گویان بی‌سواد دارای امن‌ترین وضعیت غذایی نسبت به سایر پاسخ‌گویان می‌باشند. شغل مردم این منطقه از گذشته کشاورزی بوده است. افراد بی‌سواد در منطقه مورد مطالعه، معمولاً افراد مسن‌تر هستند. این افراد از گذشته مشغول به فعالیت کشاورزی بوده‌اند و لذا سابقه درآمدی بیشتر و به‌دنبال آن سرمایه بیشتری در اختیار دارند. لذا طبیعی است که این افراد، در وضعیت امن‌تری از منظر امنیت غذایی قرار گیرند.

تبیین ارتباط متغیرهای جمعیت شناختی با وضعیت ناامنی غذایی خانوار

به‌منظور تبیین ارتباط میان ویژگی‌های جمعیت شناختی و وضعیت ناامنی غذایی خانوار در محدوده مورد مطالعه از ضریب هم‌بستگی پیرسون استفاده شد. نتایج در جدول ۱۰ قابل مشاهده است.

همان‌گونه که در جدول ۱۰ مشاهده می‌شود، میان وضعیت ناامنی غذایی خانوار در محدوده مورد مطالعه با سن سرپرست خانوار، سابقه سکونت در منطقه و تعداد فرزندان شاغل ارتباط آماری معنی‌داری وجود ندارد. اما نتایج جدول فوق نشان می‌دهد که میان تعداد فرزندان و وضعیت ناامنی غذایی خانوار در محدوده مورد مطالعه، رابطه آماری منفی و معنی‌داری با اطمینان ۹۵ درصد وجود دارد. هم‌چنین نتایج گویی آن است که میان درآمد خانوار و وضعیت ناامنی

غذایی خانوار، رابطه آماری معنی دار و منفی با اطمینان ۹۹ درصد وجود دارد.

جدول ۱۰- تبیین ارتباط میان متغیرهای جمعیت شناختی و وضعیت ناامنی غذایی خانوار

عامل	سن	سابقه سکونت در منطقه	تعداد فرزندان	تعداد فرزندان شاغل	درآمد
وضعیت ناامنی غذایی	-۰/۱۳	-۰/۱۱	-۰/۱۷*	-۰/۱۰	-۰/۵۴**
	۰/۰۶	۰/۰۹	۰/۰۱۴	۰/۱۵	۰/۰۰۰۱

* - معنی داری با اطمینان ۹۵/۰

** - معنی داری با اطمینان ۹۹/۰

تأثیر متغیرهای جمعیت شناختی بر وضعیت ناامنی غذایی خانوار

به منظور تعیین تأثیر هر یک از متغیرهای بررسی شده در مطالعه بر مؤلفه وابسته ناامنی غذایی خانوار از آزمون رگرسیون استفاده شد. به منظور تعیین معادله رگرسیون ناامنی غذایی خانوار از رگرسیون خطی گام به گام استفاده گردید. بدین ترتیب دو متغیر درآمد و تعداد فرزندان که همبستگی معنی داری با مؤلفه وابسته (ناامنی غذایی خانوار) داشتند مورد آزمون قرار گرفتند. برای انجام رگرسیون با استفاده از آزمون هم خطی ۱، وجود هم خطی در میان متغیرهای مستقل مورد نظر برای وارد کردن در معادله رگرسیون بررسی شد. بدین منظور از آماره های تولرانس ۲، عامل تورم واریانس ۳ و شاخص وضعیت ۴ استفاده گردید. مقدار تولرانس تمامی متغیرهای وارد شده در مدل رگرسیونی نزدیک به یک و در وضعیت مناسبی قرار داشت. همچنین دیگر آماره ها از قبیل عامل تورم واریانس با مقادیر کمتر از ۲ و شاخص وضعیت با مقدار کمتر از ۱۵ و قابل قبول بودند. لذا انجام تحلیل رگرسیون مورد قبول واقع شد.

جدول ۱۱- رگرسیون چند متغیره

متغیرها	R	R ²	B	Beta	آماره T	Sig	آماره F	Sig
مقدار ثابت (Constant)	-	-	۸/۹۱	-	۱۷/۷۲	۰/۰۰۰۱	۵۵/۴۸	۰/۰۰۰۱
درآمد	۰/۵۴	۰/۲۹	-۰/۰۰۰۰۰۱	-۰/۵۴	۷/۴۴	۰/۰۰۰۱		

با توجه به جدول ۱۱ مشخص است که تنها متغیر وارد معادله رگرسیون شده است. ضریب همبستگی چندگانه (R) برابر ۰/۵۴ و ضریب تبیین آن برابر ۰/۲۹ به دست آمد. این مطلب بدان معنی است که درآمد خانوار به تنهایی، ۲۹ درصد از تغییرات واریانس متغیر وابسته (ناامنی غذایی) را تبیین می کند. در واقع باقی تغییرات منوط به عواملی است که در این مطالعه وارد نشده اند. با توجه به مطالب مذکور در فوق و همچنین جدول ۱۱، معادله رگرسیون حاصل از تحلیل رگرسیون بر اساس ضرایب B به صورت زیر است:

- 1- Collinearity
- 2 -Tolerance
- 3 -VIF (variance Inflation Factor)
- 4 -Condition Index

$$Y = 1/91 - 0/000001(X_1) \quad (1)$$

متغیر وابسته (نامنی غذایی) $Y =$

عدد ثابت (عرض از مبدا) $= 32/64$

درآمد $X_1 =$

نتیجه گیری و بحث

هدف اصلی مطالعه حاضر سنجش وضعیت نامنی غذایی خانوار روستایی در محدوده شهرستان تازه تأسیس باوی بود. اغلب مطالعات در این زمینه در نقاط مختلف کشور، به سنجش وضعیت نامنی غذایی از منظر تغذیه‌ای و یا پزشکی پرداخته و کمتر مطالعه‌ای به سنجش نامنی غذایی بر اساس ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی پرداخته است. نتایج حاصل از این مطالعه می‌تواند آغازی مستند برای حمایت دولت از برنامه‌های مداخله‌گری ایجاد امنیت غذایی در سطح منطقه باشد و می‌تواند منجر به اتخاذ تصمیمات درست و آگاهانه در این خصوص باشد.

پرسشنامه سنجش نامنی غذایی خانوار، شرایط اعضای خانوار را به شکل گروه کامل و نه به صورت انفرادی مورد بررسی قرار می‌دهد. در حالت کلی این گونه مفروض است که نامنی غذایی منجر به آسیب دیدن کل اعضای خانوار می‌شود. با این وجود میزان و اثر آن بر تک تک افراد خانوار یکسان نیست. وضعیت نامنی غذایی در سراسر نقاط جغرافیایی جهان حتی در مناطق مختلف یک کشور یکسان نیست؛ اما در حالت کلی، معمولاً ساکنان شهر و یا مناطق حومه شهرهای بزرگ، از وضعیت امنیت غذایی مناسب‌تری نسبت به شهرهای کوچک و حومه و روستاهای آن دارند (شارکی و دیان^۱، ۲۰۱۱). لذا همان‌طور که در مطالعه ذکر شد، در شهرهای کوچک و حومه و روستاهای آن وضعیت نامن تر غذایی مشهود است که این موضوع کاملاً با نتایج مطالعه حاضر هم‌خوانی دارد، زیرا شهرستان باوی، شهرستانی کوچک و تازه تأسیس است و از سایر شهرهای بزرگ اطراف خود، فاصله دارد. نتایج مطالعه نشان داد که در مجموع تنها حدود ۱۲ درصد از پاسخ‌گویان این مطالعه در وضعیت امنیت غذایی و حدود ۸۷ درصد پاسخ‌گویان انواع نامنی غذایی را تجربه کرده بودند. این یافته هم‌چنین هم‌راستا با مطالعه‌ای که عباسی و همکاران (۲۰۱۶) در میان خانوارهای حومه شهر و روستاهای استان البرز انجام دادند قرار دارد.

یافته‌های مطالعه نشان از آن دارد که وضعیت نامنی غذایی خانوار برحسب جنسیت افراد دارای تفاوت آماری معنی‌داری است. این یافته با نتایج مطالعه (نجیبی و همکاران، ۲۰۱۲) و هم‌چنین (شارکی و دیان، ۲۰۱۱) در تناقض است؛ اما با یافته مطالعه (سیمسک و همکاران^۲، ۲۰۱۳) که گزارش نمودند زنان در وضعیت نامن تر غذایی نسبت به مردان قرار دارند، هم‌راستا می‌باشد. لذا بایستی به این نکته توجه کرد که زنان در وضعیت آسیب‌پذیرتری نسبت به مردان جامعه هستند و هنگامی که احساس مبنی بر نامنی غذایی در خانواده وجود داشته باشد، معمولاً اولین اشخاصی که سعی در کاهش وعده غذایی خود خواهند داشت، زنان می‌باشند. نتایج مطالعه نشان داد که وضعیت نامنی غذایی خانوار با تعداد فرزندان رابطه آماری معنی‌دار و منفی دارد. این موضوع می‌تواند ناشی از افزایش احساس مسئولیت سرپرست خانوار برای تأمین غذای خانوار با افزایش تعداد فرزندان باشد و وی تلاش بیشتری در این راستا انجام

1 -Dean and Sharkey

2 -Simsek

می‌دهد. همچنین مشاهدات محققان در منطقه گویای آن بود که افراد مسن‌تر، تعداد فرزندان بیشتری دارند و این افراد همان‌گونه که پیشتر نیز بیان شد، دارای سرمایه بیشتری بوده و منابع درآمدی مناسب‌تری در اختیار دارند. لذا این قبیل خانواده‌ها در منطقه مورد مطالعه در وضعیت امن‌تر غذایی قرار دارند.

نتایج مطالعه نشان از وجود تفاوت آماری معنی‌دار میان وضعیت ناامنی غذایی خانوار و سطح تحصیلات سرپرست خانوار دارد. یافته‌های آزمون تعقیبی دانکن نشان از آن داشت که سرپرستان خانوار با سطح تحصیلات دیپلم دارای ناامن‌ترین وضعیت و سرپرستان خانوار دارای سطح تحصیلات بی‌سواد دارای امن‌ترین وضعیت غذایی هستند. این موضوع می‌تواند از آن‌جا ناشی شود که افراد مسن در منطقه معمولاً قشر بی‌سواد را تشکیل می‌دهند اما این افراد علاوه برداشتن تعداد زیاد فرزند که تأثیر آن پیش‌تر بیان شد، دارای اراضی کشاورزی بیشتری بوده و منابع درآمدی مطمئن‌تری دارند، لذا در وضعیت امن غذایی قرار گرفته‌اند. این یافته با نتایج مطالعه (دیان و شارکی، ۲۰۱۱) هم‌راستا است؛ اما با نتایج مطالعه سیمسک و همکاران (۲۰۱۳) که اعلام داشتند هیچ‌گونه ارتباطی میان وضعیت ناامنی غذایی خانوار و سطح تحصیلات آن‌ها وجود ندارد در تناقض است. نتایج مطالعه هم‌چنین نشان از آن داشت که درآمد خانوار تأثیری مستقیم بر وضعیت ناامنی غذایی خانوار داشته که با افزایش درآمد افراد در وضعیت امن‌تری از منظر امنیت غذایی قرار می‌گرفتند. این یافته هم‌راستا با نتایج مطالعه ستوده و همکاران (۱۳۹۴) می‌باشد که اعلام داشتند که ناامنی غذایی با وضعیت اقتصادی خانوار ارتباط معنی‌داری در میان کودکان کوتاه قد دچار اضافه وزن شهرستان زاهدان داشته است. هم‌چنین رامش و همکاران (۱۳۸۸) نیز در این راستا بیان داشتند که وضعیت اقتصادی خانوار از عوامل اصلی پیش‌گویی‌کننده ناامنی غذایی است. تعیین شیوع ناامنی غذایی خانوار به روش مستقیم در سطح شهرستان باوی برای اولین بار از نقاط قوت این پژوهش است که به‌منظور دستیابی به دیدگاهی کامل در سطح کشور، طراحی و انجام پژوهش‌هایی مشابه توسط خانوارها با قومیت‌ها و طبقات اجتماعی - اقتصادی متفاوت در سطح کشور پیشنهاد می‌شود. شیوع بالای ناامنی غذایی خانوارها در جامعه مورد مطالعه به‌عنوان یک زنگ هشدار برای مسئولین می‌باشد که می‌تواند ناشی از فقر باشد، به همین دلیل کمک به بهبود کیفیت زندگی خانواده‌ها و امنیت غذایی مردم از طریق ارتقاء سطح دسترسی فیزیکی، اقتصادی، افزایش سطح فرهنگ تغذیه‌ای به‌عنوان یک راهکار پیشنهادی است. با توجه به اینکه وضعیت اقتصادی خانوار مهم‌ترین عامل تعیین‌کننده ناامنی غذایی بود و افزایش ناگهانی قیمت برخی کالاهای اساسی می‌تواند باعث تجربه ناامنی غذایی به‌ویژه در خانوارهای با درآمد پایین شود، بنابراین سیاست‌های دولت باید در جهت اشتغال‌زایی و ثبات قیمت‌ها در سطح منطقه باشد. هم‌چنین با توجه به این‌که مهم‌ترین منبع درآمد در سطح منطقه کشاورزی است، بایستی تمهیداتی اندیشیده شود تا بتوان با توانمندسازی ساکنین و به‌ویژه زنان سرپرست خانوار، زمینه‌های ایجاد مشاغل غیر کشاورزی را در سطح منطقه فراهم نمود. در این راستا بایستی از طریق ارائه خدمات ترویجی در خصوص آگاهی‌تغذیه‌ای و هم‌چنین فرصت‌های درآمدزایی غیر کشاورزی برای افراد فراهم گردد. هم‌چنین با توجه به تأثیر درآمد بر کاهش ناامنی غذایی خانوار، بایستی هم‌زمان دو راهبرد توسط دولت و سازمان‌های مسئول، پیش گرفته شود. راهبرد اول، توانمندسازی زنان سرپرست خانوار در یک برنامه میان مدت و راهبردهای حمایت اضطراری در کوتاه مدت به صورت ارائه تسهیلات و امکانات لازم از جمله دایرکردن صندوق‌های اعتباری خرد و مشاغل خرد اقدامات لازم صورت گیرد.

منابع

- بختیاری، ص. و حقی، ز. ۱۳۸۲. بررسی امنیت غذایی در کشورهای اسلامی. اقتصاد کشاورزی و توسعه، ۱(۴۳): ۱۸-۳۲.
- پیاب، م.، درسنی مطلق، ا.، اشرفیان، م.، سیاسی، ف. و کریمی، ت. ۱۳۹۱. رابطه ناامنی غذایی با برخی عوامل اجتماعی - اقتصادی و تغذیه‌ای در مادران دارای کودک دبستانی شهرستان ری در سال ۱۳۸۹. مجله علوم تغذیه و صنایع غذایی ایران، ۲۴ (۷)، ۷۵-۸۴.
- تنهایی، م. زارع، ا. شیرانی بیدآبادی، ف. و جولایی، ر. ۱۳۹۴. فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۸(۴): ۱۷-۳۵.
- جعفری ثانی، م. و بخشوده، م. ۱۳۸۷. بررسی توزیع مکانی فقر و ناامنی غذایی خانوارهای شهری و روستایی به تفکیک استانی در ایران. اقتصاد کشاورزی و توسعه، ۱۶(۱۶): ۱۰۳-۱۲۳.
- حکیم، س.، درستی، ا. و اشراقیان، م. ۱۳۸۷. ارتباط ناامنی غذایی و برخی عوامل اجتماعی - اقتصادی خانوار با وضعیت نمایه‌ی توده‌ی بدن (BMI) در زنان شهر دزفول. مجله دانشکده بهداشت و انسیتو تحقیقات بهداشتی، ۲(۸): ۶۶-۵۵.
- خضری، م. ۱۳۸۲. امنیت غذایی و امنیت ملی. همایش کشاورزی و توسعه ملی. مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی، ۱۷ و ۱۸ آذر، تهران.
- دانشی مسکونی، م.، درستی مطلق، ا.، حسینی، س.، زنده دل، ک.، کاشانی، آ.، عزیزی، صفرپور، م. ۱۳۹۲. شیوع ناامنی غذایی و برخی عوامل اجتماعی اقتصادی مؤثر در بیماران مبتلا به سرطان های گوارش فوقانی. مجله پزشکی، ۱(۵۶): ۶۱-۵۶.
- رامش، ط.، درستی، ا.، عبدالمهی، م. ۱۳۸۸. شیوع ناامنی غذایی در خانوارهای شهر شیراز و ارتباط برخی عوامل اقتصادی - اجتماعی و جمعیتی با آن در سال ۱۳۸۷. مجله علوم تغذیه و صنایع غذایی ایران، ۶(۴): ۵۳-۶۴.
- رهبر، ف.، مبینی، ع. ۱۳۸۴. رویکردی نو به راهبرد امنیت غذایی (از منظر عرضه باثبات مواد غذایی). فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی، ۶(۱۴): ۳۹-۵۱.
- ستوده، م. صفریان، م.، درستی، ا.، داشی‌پور، ع.، خدابخشی، ع.، منتظری‌فر، ف. ۱۳۹۴. بررسی وضعیت ناامنی غذایی خانوار و برخی عوامل اقتصادی - اجتماعی در کودکان کوتاه قد دچار اضافه وزن شهر زاهدان در سال ۱۳۹۳. مجله علوم تغذیه و صنایع غذایی ایران، ۴: ۶۲-۵۳.
- شرفخانی، ر.، دستگیری، س.، قره آجی اصل، ر.، قوام زاده. ۱۳۸۸. شیوع و عوامل مؤثر بر ناامنی غذایی خانوار: یک مطالعه مقطعی (دهستان قره سو، شهرستان خوی - ۱۳۸۸). مجله پزشکی دانشگاه علوم پزشکی ارومیه، ۲(۲۲):

۱۲۳-۱۲۸.

قاضی طباطبایی، م، امیدوار، ن،، علی حسینی، ج. ۱۳۹۰. تعیین کننده‌های اجتماعی - جمعیتی شدت ناامنی غذایی در میان قشرهای آسیب پذیر منطقه ۲۰ شهر تهران. فصلنامه علوم اجتماعی، ۱۴(۵۲): ۱۶-۳۰.

مرکز آمار ایران. ۱۳۹۶. سرشماری عمومی نفوس و مسکن. قابل دسترسی در: www.amar.org.ir، آخرین دسترسی: ۱۳۹۳/۵/۱۶.

Abbasi, N., M. Ghoochani, O., Ghanian, M. and Kitterlin, M. 2016 Assessment of Households' Food Insecurity through use of a USDA Questionnaire. *Advances in Plants and Agricultural Research*, 4(5): 1-8.

Alaimo, K., Briefel, R. R., Frongillo Jr, E. A. and Olson, C. M. 1998. Food insufficiency exists in the United States: results from the third National Health and Nutrition Examination Survey (NHANES III). *American Journal of Public Health*, 88(3): 419-426.

Anderson, M. D. 2013. Beyond food security to realizing food rights in the US. *Journal of Rural Studies*, 29: 113-122.

Asian Development Bank. 2012. Food Security and Poverty. ISBN 978-92-9092-666-5 (Print), 978-92-9092-667-2.

Giger, E., Prem, R. and Leen, M. 2009. Increase of Agricultural Production based on Genetically Modified Food to meet Population Growth Demands, *School of Doctoral Studies (European Union) Journal*, 1, 98-124.

Hackett, M., Melgar-Quiñonez, H., Taylor, C. A. and Alvarez Uribe, M. C. 2010. Factors associated with household food security of participants of the MANA food supplement program in Colombia. *Arch Latinoam Nutrient*, 60(1): 7-42.

Kashif, M., Awang, Z., Walsh, J. and Altaf, U. 2015. I'm loving it but hating US: understanding consumer emotions and perceived service quality of US fast food brands. *British Food Journal*, 117(9): 2344-2360.

Najibi N, Dorosty-Motlagh A.R, Sadrzadeh-Yeganeh H, Eshraghian MR, Daneshi-Maskoni M, and Azizi S. 2013, Food insecurity status and some associated socioeconomic factors among newly diagnosed patients with type 2 diabetes in Shiraz, 2012. *Arak Medical University Journal*, 16(1): 98-106.

Nnakwe, N. and Onyemaobi, G. 2013. Prevalence of Food Insecurity and Inadequate Dietary Pattern among Households with and without Children in Imo State Nigeria. *International Journal of Sociology and Anthropology*, 5(9): 402-408.

Ramonyai, M. D. 2011. Food Security. Agriculture Forestry and fisheries Republic of south Africa.

Salarkia, N., Abdollahi, M., Amini, M. and Neyestani, T.R. 2014. An adapted Household Food

- Insecurity Access Scale is a valid tool as a proxy measure of food access for use in urban Iran. *Food Security*, 6(2): 275-282.
- Sharkey, J. R., Dean, W. R. and Nalty, C. 2012. Convenience stores and the marketing of foods and beverages through product assortment. *American journal of preventive medicine*, 43(3): 109-115.
- Sharma, R. 2012. Ensuring the Success of Feed the Future: Analysis and Recommendations on Gender Integration: Global Agricultural Development Initiative Issue Briefs are published by The Chicago Council on Global Affairs.
- Simsek, H., Meseri, R., Sahin, S. and Ucku, R. 2013. Prevalence of food insecurity and malnutrition, factors related to malnutrition in the elderly: A community-based, cross-sectional study from Turkey. *European Geriatric Medicine*, 4(4): 226-230.
- Tutunchi, H., Ostadrahimi, A., Mahboob, S., Mahdavi, R., Tabrizi, S.J. 2013. Using the Hopfield-Fuzzy C Means Algorithm for Clustering of People based on Food Insecurity and Obesity in the Northwest of Iran. *Journal of Applied Sciences and Environmental Management*, 15(4): 635-641.

Investigating the Household's Food Insecurity of the Bawi Township

Bahman Khosravipour^{1*}, Mona Dorani² and Omid Mehrab Ghoochani²

Submitted: 7 August, 2016

Accepted: 10 July, 2017

Abstract

The main purpose of the present study is to measure the food insecurity status of the Bawi Township in the Khuzestan province. This is a cross sectional descriptive study. The population used in this study included all of the rural families in the central part of the Bawi district. Among them, 198 people were selected using the convenience sampling method. Data was collected by using the Radimer-Cornel questionnaire. The results revealed that in total only 12 percent of the respondents were food secure and 87 percent experienced on of the forms of food insecurity such as food insecurity without hunger, with medium hunger and with serious hunger. The results also showed that the highest frequency was related to food insecure without hunger. The results showed that women are in a more food insecure situation than men. Also, the educational level of the heads of households led to a difference in the household's food insecurity. In addition, the results showed that income entered the regression equation of factors affecting household food insecurity and determined 29% of the variation of the variance of the dependent variable.

Keywords: Food insecurity, Radimer-Cornel questionnaire, Bawi Township, Khuzestan province.

1 - Associate Professor, Department of Agricultural Extension and Education, Ramin Agriculture and Natural Resources University of Khuzestan

2 - PhD. Student of Agricultural Extension, Department of Agricultural Extension and Education, Ramin Agriculture and Natural Resources University of Khuzestan

(*-Corresponding author E-mail: b.khosravipour@gmail.com)